

ضربه اول، بنزین

دولت اصرار دارد قیمت بنزین را ثابت نگه دارد. اساساً در شرایطی که کشور تورم صعودی را تجربه می‌کند، ثابت نگه داشتن هر چیزی و قیمت‌گذاری دستوری برای آن، فاجعه می‌آفریند. تولید و تولیدکننده دل‌پری از این موضوع دارند. قیمت بنزین سال‌ها ثابت یا با افزایش قیمت اندک و کنترل شده همراه بود که پشت آن یارانه انبوه دولت برای بنزین خوابیده است. یارانه‌ای که هنوز هم به موارد مختلف پرداخت می‌شود. سال ۱۳۸۹ هدفمندسازی یارانه‌ها و کارت سوخت کلید خورد. بنزین از ۱۰۰ تومان به ۴۰۰ و ۷۰۰ تومان افزایش یافت. افزایش قیمت بنزین پس از سال ۸۹ بار دیگر در سال ۹۸ نیز اتفاق افتاد. همه ما این اتفاق را با جمله: «خودم تازه صبح جمعه فهمیدم بنزین گران شده»، به یاد می‌آوریم. آشوبی که پس از این اتفاق به‌پا شد، نشان از ضربه و فشاری بود که به بدنه جامعه و اعتماد آنها زده شد. اگر فرض کنیم افزایش قیمت بنزین در سال ۹۸ امری اجتناب‌ناپذیر بوده، بنابراین برای کاهش آسیب‌های ناشی از آن باید تدابیری اندیشیده می‌شد. اطلاع‌رسانی مناسب و انتخاب زمان متعارف برای اجرایی کردن آن، غیبت نکردن رئیس‌جمهور در اعلام تصمیمی در این حد از اهمیت و تأخیر نداشتن در واریز یارانه آن می‌توانست تبعاتش را کاهش دهد. اما مردم در شرایطی با افزایش قیمت روبه‌رو شدند که بارها مسئولان در تریبون‌های مختلف این افزایش قیمت را تکذیب کرده بودند. اتفاقی که در آبان ماه سال ۹۸ افتاد، در کنار تمام خسارات جانی و مالی که به همراه داشت، بزرگترین خسارت را به اعتماد مردم زد. در واقع جمع‌بندی این اتفاقات برای جامعه این بود که اگر دولت صراحتاً نیز امری را تأیید یا تکذیب کند، می‌توان باز هم آن را نادیده گرفت.



ضربه دوم، بورس

در اواخر سال ۹۸ و اوایل سال ۹۹ دولت مردم را ترغیب کرد تا نقدینگی خود را به سمت بازار بورس هدایت کنند. بورس هم ظاهراً دچار تغییراتی شده بود و رشد خوبی داشت. در میان دعوت دولت، بورس بازاری بدون ریسک بالا و ساده معرفی شد؛ سرمایه‌گذاری امن و پرسود برای همه مردم. نتیجه این بود که خیل مردم بدون در نظر گرفتن اقتضائات این بازار وارد آن شدند. چنین اتفاقی باعث رشد حسابی شاخص بورس و افزایش قیمت سهام شرکت‌ها بیش از ارزش ذاتی آنها شد. از سوی دیگر حالا که نقدینگی در حال سرازیر شدن به بورس بود، دولت برای جبران بدهی‌های خود سهام صندوق‌های دولتی خود را عرضه کرد. افزایش کدهای سهامداری و ورود پول از اواخر بهمن ۹۸ تا مرداد ۹۹ سیری صعودی را طی کرد. در این میان رشدی فراتر از تصور و تحلیل‌های بازار به افزایش شاخص تا بیش از ۲ میلیون واحد منجر شد. از طرف دیگر ورود بی‌رویه سهامداران حقیقی و خرد در این بازار بدون پیگیری جهت خاصی برای سرمایه‌گذاری، شاخص‌های بورس را به سمت معاملات اشتباه برد. در نهایت فروش بیش از حد اوراق دولتی و نیز افزایش بدون برنامه نرخ بهره بدون ریسک، باعث شد بورس درست یک هفته بعد از وعده دولت به گشایش اقتصادی با سرمایه‌گذاری در بورس، یعنی در مرداد ماه سال ۱۳۹۹ سقوط کند؛ اتفاقی که ورود سرمایه مردم را به بازار بورس متوقف و در شهریور همان سال سه هزار میلیارد تومان پول از بازار بورس خارج کرد. اما امر مهم‌تری که از بورس رفت، اعتماد مردم بود. از آن روز هر بار که بازار سهام کشور با رشدی نسبی همراه و نشانه‌های رشد و سود در این بازار نمایان می‌شود، زمزمه‌ای میان سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی شکل می‌گیرد که «نکند بازار همان راهی را برود که سال ۹۹ پیمود.»

ضربه سوم: شفافیت

همیشه هم دولت میان‌دار ضربه به اعتماد مردم نیست. گاهی مجلس هم در این موضوع دست دارد. طرح شفافیت آرای نمایندگان در شهریور سال ۱۳۹۷ اعلام و وصول شد. طرحی که قرار بود نمایندگان را در قبال آرای آنها مسئولیت‌پذیر کند اما از آن روز بارها به این طرح نه گفته شد و هر بار به بن‌بست رسید. کار جایی بیخ پیدا کرد که مجلس یازدهم که مهم‌ترین وعده‌اش شفافیت بود نیز پای این طرح نایستاد. پروژه شفافیت هر بار با عناوینی مانند شفافیت آرای نظام تقنینی، شفافیت فعالیت نمایندگان و شفافیت قوای سه‌گانه مطرح شد و نه شنید. در حال حاضر طرح شفافیت قوای سه‌گانه در دست بررسی است. شفافیت پس از بارها وعده و وعید حالا به مطالبه عمومی مردم تبدیل شده و عقب افتادن این طرح، جامعه را نسبت به تصمیمات مجلس بدبین کرده است. وعده انجام نشده شفافیت، باعث شده حنای مجلس هم پیش مردم رنگی نداشته باشد.

بی‌اعتمادی مردم یعنی جامعه در بحران‌های پیش‌رویش خود را تنها می‌بیند و به تلاش‌هایی که از سوی دولت می‌بیند، باوری ندارد. نتیجه این است که نه جامعه بدون دولت می‌تواند از پس بحران‌های اقتصادی بر بیاید و نه دولت بدون همراهی جامعه، زیرا تمام تلاش‌های اقتصادی به وسیله تشکیلاتی باید صورت بگیرد که لازمه آن همکاری و اعتماد است.

مهم‌ترین راه بازگرداندن اعتماد مردم، پاسخگو بودن و کنار گذاشتن حرف‌های پوپولیستی است. گوش مردم از وعده‌های پوچ پر شده و هر وعده توقعات مردم را بیشتر از قبل می‌کند.

۸
معترضان هم‌زمان با گرانی ناگهانی بنزین به خیابان‌ها ریختند. این تصویری از بزرگراه امام علی تهران و اغتشاشات روز ۲۵ آبان ۹۸ است